پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۳۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۱/۲۵

حسن سبحانی *
محمد امیرعلی **

چکیده

ارزیابی ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ که «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل با (ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» را از هدف‌های نظام بانکی مقرر کرده، به معیارها و ضوابطی نیاز دارد که به نظر می‌رسد با آنها می‌توان کامیابی این نظام را در رسیدن به هدف‌های تعریف‌شده سنجید.

در مقاله پیش رو ضمن ارائه معیارهایی مانند کارایی اقتصادی، برابری در دسترسی به تسهیلات بانکی و اولویت اعطای سپرده‌های قرض‌الحسنه در جهت تسهیلات قرض‌الحسنه به عنوان معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی و معیارهای حفظ ارزش پول ملی، شفافیت اطلاعات و نظارت به عنوان اصول عدالت صیانتی و معیار توازن عناصر نظام بانکی به عنوان عدالت در جایگاه توازن بین عناصر یک مجموعه نشان داده شده است که در عمل کارکرد نظام بانکی درباره پی‌گیری و تأمین این هدف چگونه می‌باشد.

بر اساس نتیجه‌های تحقیق، شاخص بازده دارایی‌ها به عنوان معیار ارزیابی اعطای تسهیلات بر مبنای کارایی اقتصادی به‌طور کلی مطلوب نیست. میانگین نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه در حدود ۴۳ درصد بوده است. معیار حفظ ارزش پول ملی نیز رعایت نشده است. بررسی دو اصل شفافیت و نظارت حاکی از نارسایی‌هایی در این‌باره است و عناصر نظام بانکی ایران توازن مناسبی نداشته‌اند.

واژگان کلیدی: *بانکداری بدون ربا، عدالت توزیعی و صیانتی، برابری فرصت‌ها، نظارت، شفافیت.*

طبقه‌بندی JEL: G28، G21، G20.

*. استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. Email: sobhanihs@ut.ac.ir.

**. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه تهران. Email: amiralimohamad@ymail.com.

مقدمه

اهمیت بانک در نظام پولی کشور از یک طرف و حرمت ربا از طرف دیگر، قانون‌گذاران کشور را در دهه‌های اخیر بر آن داشت تا با تصویب ممنوعیت ربا در نظام بانکی، نظام مالی جدیدی را بر اساس قراردادهای شرعی طراحی کنند و حدود سی سال این نظام در ایران در قالب قانون بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳٦۲ در حال اجراست.

در ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد و توسعه اقتصاد کشور» به عنوان یکی از هدف‌ها معرفی شده است؛ اما با گذشت بیش از سی سال از اجرای این قانون به نظر می‌رسد در اصل معیارها و شاخص‌های لازم در این‌باره طراحی نشده است؛ در نتیجه نمی‌توان کارکرد نظام بانکی را با این رویکرد ارزیابی کرد. بر این اساس و با توجه به اهمیت تدوین معیارهای متناسب در این‌باره، مقاله پیش رو در صدد است به روش تحلیلی – توصیفی با تدوین و معرفی معیارهایی از عدالت درباره ارائه رهیافتی برای سنجش میزان تحقق هدف مندرج در بند یک ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا، کوششی نظری را مطرح کند.

پیشینه تحقیق

در آموزه‌های اسلامی معیار حق و عدل در استدلال درباره حرمت ربا بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با این حال در تحقیق‌های اقتصاد اسلامی به استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا کمتر توجه شده است و بیشتر تحقیق‌های موجود به بررسی نقش بانکداری بدون ربا در برقراری عدالت و رفع فقر در جامعه پرداخته‌اند.

برخی روایت‌ها، علت حرمت ربا را بازدارندگی از فعالیت‌های مفید و بازدارندگی از تأمین نیازهای ضروری نیازمندان می‌دانند (کلینی، ۱۳٦۵، ص۱٤٦/ مطهری، ۱۳۷۵، ص۱۸۹). یک شاخص حرمت ربا، سلطه و انباشت ثروت است. نظام ربوی باعث پدیدآمدن اختلاف طبقاتی شدید در جامعه می‌شود که در آن طبقه قوی، طبقه ضعیف را از بین می‌برد. رباخوار همواره سود کرده و هیچ‌گاه ضرر نمی‌کند و در برابر قرض‌گیرنده تمام ریسک مال را متحمل می‌شود. بدیهی است که رباخواران در چنین جامعه‌ای

روزبه‌روز ثروتمندتر و دیگر قشرها فقیرتر خواهند شد و اختلاف طبقاتی عمیقی در جامعه حاکم می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱٤۲۲ق، ص٤۱). شاخص دیگر ربا ظلم است؛ امام خمینی﵀ آیه «لاَ تَظْلِمُونَ وَلاَ تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) را بیانگر فلسفه تحریم ربا می‌داند و می‌نویسد:

> معلوم است که حکم خداوند متعال متعالﷻ به تحریم ربا به این علت است که ربـا باعـث ظلم و فساد می‌شود؛ پس تحریم معلول ظلم است. مطابق ظاهر آیه کریمه، ظلـم علـت یـا حکمت آن است و همین‌گونه است که دریافت زیادی مساوی با جنگ با خداوند متعالﷻ و رسولش است (موسوی خمینی، ۱۳۹۱، ج۲، ص٥٤۲).

از جمله «لاَ تَظْلِمُونَ وَلاَ تُظْلَمُونَ» که با دو فعل معلوم و مجهول خطاب به قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده است و با حرف نفی آمده، چنین استفاده می‌شود که نباید به قرض‌دهنده ظلم شود و وی باید به اصل مالش برسد و نیز نباید به مشتری ظلم شود؛ اما در فرض ربا قرض‌دهنده زیادتر می‌گرفت و ظلم به قرض‌گیرنده می‌شد (ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص۱۱۲). این استدلال‌ها درباره حرمت ربا به نوعی به ناعادلانه‌بودن آن اشاره دارند.

فراهانی‌فرد (۱۳۷۸) در مقاله «نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر» با روش تحلیلی- توصیفی به بررسی عوامل اقتصادی پیدایش فقر و راه‌های درمان آن در چارچوب الگوی بانکی مبتنی بر مشارکت می‌پردازد و عواملی مانند توزیع ناعادلانه درآمدها، فقدان سرمایه، فقدان امکانات شغلی، پایین‌بودن بهره‌وری و سود و ... را عوامل گسترش فقر معرفی کرده و مهم‌ترین نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر را به‌وسیله تأکید بیشتر بر مشارکت عوامل تولید در سودوزیان حاصل از فعالیت اقتصادی می‌داند.

کهندل (۱۳۸٤) در مقاله «عدالت در بانکداری اسلامی» با شیوه‌ای تحلیلی- توصیفی، در پی مقایسه بانکداری بدون ربا و ربوی از دید عدالت است و نشان می‌دهد که بانکداری ربوی به‌وسیله ربا و خلق پول و به کارگیری منابع جامعه و تخصیص منافع آن به افراد خاص، رواج‌دهنده بی‌عدالتی است؛ اما در بانکداری بدون ربا با حضور بانک در بخش واقعی اقتصاد و جلوگیری از سفته‌بازی، زمینه‌های عدالت اجتماعی فراهم می‌شود.

جمشیدی (۱۳۸٦) در مقاله «بررسی اثرات کاهش نرخ سود و چگونگی اعمال آن در تطابق با شرایط واقعی بازار و تقسیم سود واقعی بین سپرده‌گذاران بر مبنای حق و عدل (با

ضوابط اسلامی)» به بررسی اثرهای کاهش نرخ سود و چگونگی اعمال آن به‌گونه‌ای که بتواند سودآوری واقعی را برای سپرده‌گذاران به همراه داشته باشد، می‌پردازد. نتیجه‌های این تحقیق از آن حاکی است که با توجه به کمتر بودن نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها و سود قطعی پرداخت شده بانک‌ها از نرخ تورم، بانک‌ها نتوانسته‌اند به وظیفه‌های خود درباره وکالت سپرده‌گذاران به خوبی عمل کنند.

طیبی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله «عوامل تعیین‌کننده نابرابری اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی با تأکید بر نقش اقتصاد اسلامی» در پی ارزیابی رابطه بین رشد اقتصادی، شاخص‌هایی در بانکداری اسلامی و نابرابری در اقتصاد کشورهای منتخب اسلامی هستند. نتیجه‌های به دست آمده از این تحقیق از اثرگذاری نظام بانکداری غیرربوی در کاهش فقر و سطح نابرابری اقتصادی حکایت دارد.

جندقی میبدی (۱۳۸۷) در مقاله «رابطه عقدها اسلامی در نظام بانکی با کاهش فقر» به بررسی عقدهای اسلامی در نظام بانکی و یافتن رابطه آنها با کاهش فقر در جامعه می‌پردازد و نشان می‌دهد که قرض‌الحسنه و عقدهای مشارکتی می‌توانند به کاهش فقر در جامعه کمک کنند و عقدهای مبادله‌ای گرچه کاربرد ساده‌تری نسبت به عقدهای ذکرشده دارند؛ اما به علت بازدهی ثابت و از پیش تعیین‌شده، در عمل نظام بانکی را ربوی می‌کنند؛ بنابراین نمی‌توانند به رسیدن به هدف اجتماعی و اقتصادی اسلام کمک کنند.

عیوضلو (۱۳۸۷) در مقاله «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی» در پی استنتاج اصول کلی نظام پولی اسلامی است. وی معیارهای کارایی، عدالت و تراضی را در جایگاه معیارهای تطبیقی و مبانی ارزش پول به صورت سنجه‌ای از عدالت، تبعیت قیمت پول از بازار حقیقی عادلانه کالاها و خدمات، امکان تعیین قیمت سایه‌ای برای پول و سرمایه نقدی و تراضی حقیقی در رفتار اقتصادی و مالی را در چارچوب عقدهای مشروع اسلامی و بازار عادلانه معرفی می‌کند.

موسویان (۱۳۹۰) در مقاله «جایگاه عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی» با روشی تحلیلی – توصیفی در پی تطبیق معیار عدالت در بانکداری اسلامی است که سه اصل احراز ارزش افزوده، توزیع متوازن منابع بانکی و پدیدساختن اشتغال را به عنوان معیارهای

توزیع عادلانه منابع بانکی و تعیین نرخ سود و حق‌الوکاله بانکی در جریان عرضه و تقاضای بازار را به عنوان اصلی دیگر مطرح می‌کند.

هاشمی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «ارزیابی تحقق عدالت اقتصادی در الگوهای بانکداری اسلامی با تأکید بر الگوی تفکیک و الگوی بانکداری تجاری» در پی پاسخ به این پرسش است که عدالت اقتصادی در کدام‌یک از الگوهای بانکداری اسلامی بیشتر محقّق می‌شود. بر اساس نتیجه‌های این تحقیق الگوی تفکیک به‌علت توان نظارت بر پروژه‌ها و اطمینان از توجیه اقتصادی طرح، سود واقعی پرداخت کرده و باعث اشتغال‌زایی و کاهش تورم می‌شود. هم‌چنین با پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه از راه تخصیص مانده حساب‌های جاری به نیازمندان و مناطق محروم باعث رفع فقر و تحقق عدالت اقتصادی می‌شود.

احمد (Ahmed, 1991) باور دارد که بانکداری و مالیه اسلامی با توجه به ویژگی‌های آن، می‌تواند کارکرد مناسبی در توزیع دوباره ثروت و حرکت در جهت دست‌یابی به عدالت اجتماعی داشته باشد.

خان (Khan, 1994) باور دارد که بانک‌های اسلامی در جهت از بین‌بردن فقر در جامعه می‌توانند به تأمین مالی شرکت‌هایی که در پروژه‌های زیربنایی مانند ساخت جاده‌ها، تأمین آب، تأمین انرژی، سرمایه‌گذاری صنایع کوچک در مناطق روستایی و ... فعالیت می‌کنند، بپردازند.

فاروق (Farook, 2008) باور دارد که مفهوم‌هایی مانند قرض‌الحسنه در اسلام فرصت بزرگی برای بانک‌های اسلامی فراهم کرده است تا نقش اجتماعی خود را در جهت برقراری عدالت اجتماعی در جامعه ایفا کنند.

کاملا (Kamla, 2012) و *رامال* (Rammal, 2012) با انتخاب ده بانک بدون ربا از سراسر جهان و با بررسی گزارش‌های سالانه به بررسی نقش بانک‌های بدون ربا در توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر می‌پردازند. نتیجه‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بانک‌های بدون ربا در عمل طرح جدی برای رفع فقر و برقراری عدالت اجتماعی ندارند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تا کنون تحقیق جامعی که به استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا با بسط و شرح نظری آن پرداخته باشد، نیز میزان پیاده‌شدن آن

معیارها را در اجرا بررسی کند، انجام نشده است و از این جهت نتیجه‌های پژوهش پیش رو می‌تواند ادبیات این موضوع را نسبت به وضع موجود، توسعه و گسترش دهد.

تلقی اجمالی از عدالت

عدالت را می‌توان در معنای اعطای هر حق به ذی حق آن در نظر گرفت (نهج‌البلاغه، ن۵۹، ن۷۰، خ۲۱٦). در این راستا مبنای وضع حق، اهمیت بالایی می‌یابد. به‌طور کلی سه مبنا برای حق وجود دارد:

الف) مبنای قابلی: وجود قابلیت و استعداد، حقی به نفع صاحب آن می‌آورد (مطهری، ۱۳۸۱، ص۱٤٤).

ب) مبنای فاعلی: عمل انسان برای وی حقی متفاوت از دیگران خواهد آورد (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۵۷).

ج) مبنای غایی: غایت‌های مندرج در خلقت و انسان، مبنای تعریف برخی از حقوق است (همان، ص۵۲).

در نتیجه این امکان وجود دارد که برای هر موجودی اعم از ذی‌شعور و ...، حق وضع شود. در فضای اقتصادی نیز دو نوع حقوق را به‌طور کلی می‌توان در نظر گرفت: الف) حقوق اموال و اِمکان‌ها؛ ب) حقوق افراد و جامعه (سیدنورانی، ۱۳۹۱، ص٤۳).

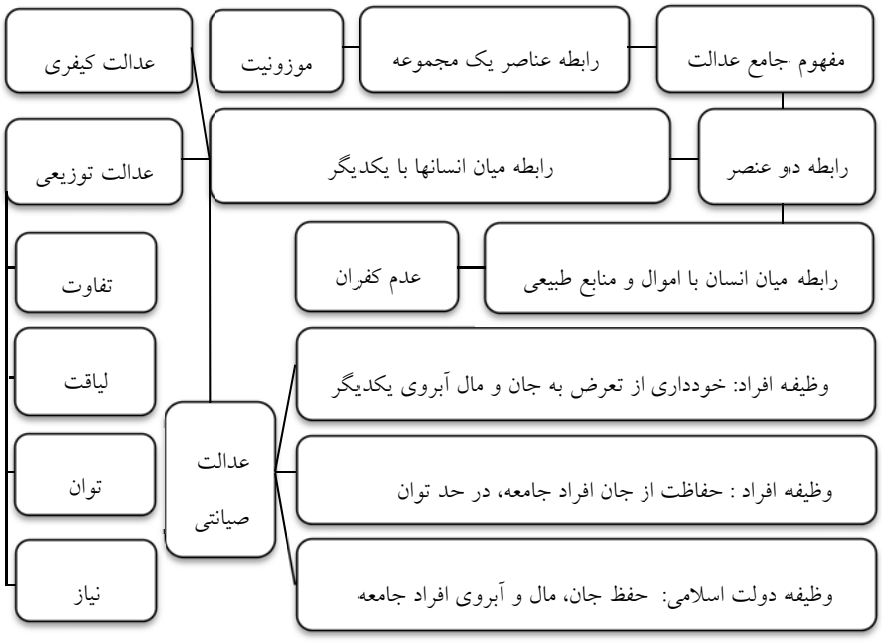
تلقی از عدالت را می‌توان در رابطه میان دو عنصر و مجموعه عناصر مجموعه یا نظام تعریف کرد. عدالت در رابطه میان دو عنصر را می‌توان در رابطه میان انسان‌ها با یکدیگر و انسان با اموال و منابع طبیعی مطرح کرد. عدالت در رابطه میان انسان‌ها با یکدیگر نیز در سه جایگاه عدالت کیفری (Retributive justice)، عدالت صیانتی (Protective justice) و عدالت توزیعی (Distributive justice) قابل بحث است.

تلقی مقاله پیش رو از عدالت در دو مفهوم عدالت توزیعی و صیانتی جست‌وجو شده است. بر مبنای عدالت صیانتی و با رعایت اصلِ جانب‌نداری؛ اولاً هر کس باید از تعرض به جان، مال و آبروی افراد جامعه بپرهیزد (بقره: ۲۳۱/ نساء: ۱۰/ شوری: ٤۳-٤۰/ نراقی، [بی‌تا]، ص۲۲۵)؛ ثانیاً از جان دیگر افراد جامعه در برابر تهدیدها به اندازه توان حفاظت کند (نراقی، [بی‌تا]، ص۲۲۹)؛ ثالثاً دولت اسلامی باید از جان، مال و آبروی افراد جامعه حفاظت کند (حاجی‌حیدر، ۱۳۸۸، ص۲۲). عدالت توزیعی نیز به توزیع جانب‌ندارانه

سودها و زحمت‌های زندگی اجتماعی بر مبنای چهار عنصر تفاوت (نساء: ٣٤ و ٣٢/ نحل: ٧١/ سبأ: ٣٤/ زخرف: ٣٢/ طباطبایی، ١٩٧٤م، ج٤، ص٣٣٨)، لیاقت (طباطبایی، ١٩٧٤م، ج١٧، ص٤٠١)، توان (بقره: ٢٨٦/ مؤمنون: ٦٢) و نیاز (یس: ٤٧/ توبه: ٣٤/ حدید: ٧/ نهج‌البلاغه، خ٩١ و ن٥٣/ طباطبایی، ١٩٧٤م، ج١٧، ص٤٠١)، تأکید می‌کند. عدالت در جایگاه رابطه میان انسان‌ها با اموال و منابع طبیعی در قرآن کریم در قالب واژه‌هایی مانند شُکر و عدم کُفران (لقمان: ١٢) و عدم اسراف (فرقان: ٦٧/ اسرا: ٣٣) قابل تعریف است.

عدالت را در رابطه با عناصر نظام یا مجموعه نیز می‌توان تعریف کرد. اگر مجموعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن اجزای گوناگونی به‌کار رفته و هدف خاصی از آن مورد نظر است، باید شرایط معیّنی در آن از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزا با یکدیگر رعایت شود و فقط در این صورت است که آن مجموعه می‌تواند اثر مطلوب خود را برجا بگذارد و نقش منظورشده را ایفا کند (مطهری، ١٣٥٢، ص٥٩).

مطالب عنوان‌شده در این‌باره، به صورت خلاصه در شکل ذیل آمده است:



معیارهایی برای حق و عدل در بانکداری بدون ربا

بند یک ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا یکی از هدف‌های نظام بانکی را استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد و توسعه اقتصاد کشور معرفی می‌کند. این پرسش مطرح است که معیارهای بیانگر حق و عدل در یک نظام بانکی بدون ربا کدام‌ها هستند؟ از آنجا که در اعلان شاخص‌های مرتبط با توفیق یا کاستی‌های نظام بانکی از معیارها یا شاخص‌هایی که از این مهم حاکی باشد، بحثی به میان نمی‌آید. به نظر می‌رسد که در اصل چنین مقوله‌ای در نظام بانکی موضوعیت ندارد. از این‌رو در مقاله پیش رو می‌کوشیم معیارهایی را که با آنها می‌توان از میزان میل نظام بانکی به اندازه تحقق این هدف‌ها نتیجه‌هایی را استنباط کرد، مورد بررسی و تعین قرار دهیم.

معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی

در این بخش سه معیار را به عنوان معیار توزیع عادلانه منابع بانکی معرفی کرده‌ایم:

۱. اعطای تسهیلات بانکی بر مبنای کارایی اقتصادی

با این فرض که از نگاه تولیدی پول در اقتصاد در جایگاه سرمایه بالقوه‌ای است که به محض ترکیب حقوقی با یکی از عوامل تولید به سرمایه بالفعل تبدیل می‌شود و از این جهت است که اسلام برای آن بازدهی به نام «سود» قائل است؛ وگرنه برای سرمایه بالقوه هیچ‌گونه بازدهی قائل نیست (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص۱۱۰). بر این اساس موضع بایسته پول در جهت کسب سود، ارتباط آن با بخش حقیقی اقتصاد و پدیدساختن فاعلیت است و کسب سود بدون پدیدساختن فاعلیت، نقض غرض بوده و انحراف پول از جایگاه بایسته آن است.

پرسش این است که با تشبیه پول به بنزین، آیا بنزین در یک وسیله نقلیه کاراتر و کم‌مصرف‌تر ارزش افزوده بیشتری پدید می‌آورد یا در وسیله‌ای پر مصرف و فرسوده؟ آیا مُجاز به هر استفاده دلخواه از آن هستیم؟ آیا سوزاندن بیهوده بنزین، ظلم در حق این نعمت نیست؟ همین پرسش‌ها درباره پول نیز می‌تواند مطرح باشد؟ آیا بانک وظیفه‌ای در برابر پول، فارغ از تعهدی که به صاحبان آن داده است، ندارد؟ اگر بانک بدون برنامه‌ریزی

مناسب پول را خرج کند، در حق پول ظلم نکرده است؟ پاسخ این پرسش‌ها از تعریفی از عدالت که در رابطه انسان با منابع طبیعی و مالی ارائه کردیم، به دست می‌آید.

تکلیفی که اسلام در این رابطه بر عهده انسان گذاشته شُکر نعمت (عدم کُفران) است که می‌توان گفت تا حدودی با مفهوم کارایی در ادبیات اقتصادی معادل است؛ امام *صادق*ؑ در پاسخ کسی که درباره دینار و درهم (پول) و وظیفه مردمان درباره آنها پرسید، فرمود: «این‌ها مهرها و سکه‌های خداوند متعال متعالﷻ در زمین است، آنها را برای سامان‌یابی زندگی خلق (و گذراندن امور) قرار داده است و به‌وسیله آنهاست که کارهای مردم روبه‌راه شده و نیازهای آنان برآورده می‌شود» (حکیمی، ۱۳۸٦، ص۲٦۸). از آنجا که مالک حقیقی هر شی‌ای خداوند متعال متعالﷻ است و مالکیت انسان بر آنها اعتباری است. هدایت صحیحِ ملکِ خداوند متعالﷻ که به‌طور امانی در اختیار بشر قرار داده اهمیت خاصی دارد و انسان مجاز نیست به صورت دلخواه و بدون هیچ محدودیتی آن را هدایت کند. همان‌طور که انسان حق ندارد محصول‌های کشاورزی را در دریا بریزد یا آن را اسراف کند؛ چرا که در این صورت آن را از غایت خود دور کرده، بانک نیز موظف است پولی که در جهت اعطای تسهیلات تعریف کرده، به صورت بهینه هدایت کند. از سوی دیگر بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران متعهد است که منابع آنان را در کاراترین جهت تسهیلات‌دهی کرده و سود را پس از کسر حق‌الوکاله عودت کند. بر این اساس عدالت صیانتی (که بر صیانت از جان و مال و آبروی انسان‌ها تأکید می‌کند) اقتضا می‌کند که بانک، تمام کوشش خود را در جهت هدایت آن منابع به کاراترین جهت ممکن به کار گیرد و کوتاهی در این‌باره عین ظلم و بی‌عدالتی خواهد بود. در این جهت دست‌کم دو وظیفه پیش روی بانک‌ها قرار دارد:

الف) اصل احراز سود و ارزش افزوده در انتخاب طرح‌های اقتصادی

کارایی تخصیصی اقتضا می‌کند که پیش‌شرط هر نوع تخصیص منابع بانکی در بانکداری بدون ربا، احراز وجود سود و ارزش افزوده در طرح یا پروژه باشد و اختصاص هر نوع وجوهی به طرح‌هایی که توجیه فنی و اقتصادی ندارند، خلاف مقتضای قرارداد وکالت و تصرف در اموال دیگران بدون مجوز شرعی (موسویان، ۱۳۹۰، ص۲٤۱) و ظلم در حق

خود پول به عنوان یک نعمت است. در این مرحله شناسایی مناسب‌ترین طرح، کفایت مجری آن طرح در جهت کارایی اهمیتی بالا دارد. خداوند متعال ﷻ در آیه ۵ سوره نسا می‌فرماید: «وَلاَ تُؤْتُواْ السُّفَهَاء أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللّهُ لَكُمْ قِيَامًا»؛ یعنی «اموالتان را که خداوند متعال ﷻ وسیله قوام زندگی شما قرار داده است به دست کم‌خردان نسپارید». در حقیقت استفاده سفیهانه از اموال و سپردن سرمایه‌های جامعه به دست کسانی که توان اداره درست منابع را ندارند به نقض حقوق افراد جامعه و حق مال می‌انجامد.

امام *صادق* ؑ نیز در این‌باره می‌فرماید:

> به درستی که بقای اسلام و مسلمانان در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق آن را می‌دانند و می‌توانند به صورت صحیح از آن استفاده کنند و همانا فنای اسلام و مسلمانان در این است که اموال آنان در اختیار کسانی باشد، که حق آن را نمی‌شناسند و نمی‌توانند به روش صحیح از آنها بهره‌برداری کنند (حرّ عاملی، [بی‌تا]، ج ۱۱، ص ۵۲۱).

ب) تخصیص به اندازه منابع و پرهیز از اسراف و خسّت

اگر در مرحله نخست طرحی بر مبنای ارزش افزوده انتظاری به طرح‌های دیگر اولویت یافت، در مرحله بعد باید تسهیلات اعطایی برای طرح مربوطه به اندازه لازم اختصاص داده شود که این امر، بُعدی دیگر از مفهوم کارایی در هدایت منابع پولی است. اگر طرح مورد نظر به ۳۰۰ واحد پولی نیاز داشت، اختصاص ۵۰۰ واحد پولی برای آن طرح به نوعی اسراف در منابع است که در این صورت از ۲۰۰ واحد پولی به‌طور بهینه استفاده نشده است. در آموزه‌های اسلامی به مفهوم اندازه نگاه‌داشتن در مصرف و تخصیص منابع اشاره‌های فراوانی شده است. امام *علی* ؑ در این‌باره می‌فرماید: «اندازه نگاه‌داشتن، نیمی از (درست) زندگی‌کردن است» (حکیمی، ۱۳۸٦، ص۲۷٦).

امام *صادق* ؑ نیز می‌فرماید: «از خداوند متعال ﷻ بترس و نه زیاده‌روی کن و نه تنگ‌نظری و میان این دو حالتی «قوامی» (معتدل و کفایی) داشته باش» (حکیمی، ۱۳۸٤، ص۳۱۱).

۲. فرصت برابر برای استحقاق‌های برابر در دسترسی به تسهیلات

اگر خداوند متعال ﷻ استعدادی به انسان‌ها عطا کرده و آن استعداد را وسیله کمال آنها قرار داده، جامعه باید فرصتی برابر برای شکوفایی آن استعداد در چارچوبی مشروع برای همه

آنها فراهم کند تا بتوانند از این استعداد، استفاده مطلوب کند؛ پس از فراهم‌آمدن فرصت برابر برای بهره‌برداری از استعدادها بر اساس رابطه فاعلی هر کس بر اساس کوشش خویش بهره‌برداری متناسب با آن را خواهد داشت.

امکانات باید برای همه افراد به‌طور مساوی فراهم باشد تا اگر کسی همت داشته باشد در هر کجا و هر طبقه‌ای که هست بتواند در پرتو لیاقت و استعداد به کمال لایق خود برسد. تبعیض‌هایی که سرچشمه آن سنت‌ها و عادت‌ها یا زور و ظلم است باید محو شود و هیچ ملاحظه شخصی در کار نباشد و از نظر ملاحظه‌های شخصی و طبقاتی همه علی‌السویه باشند (مطهری، ۱۳۸۳، ص۹۵– ۹۶).

بر این اساس باید فرصت برابر برای افراد برابر در دست‌یابی به تسهیلات بانکی فراهم شود تا افراد توانمند در مرحله نخست بتوانند با ارائه طرح‌ها و برنامه‌های مالی و با توجیه اقتصادی مناسب، استعدادها و توانایی‌های خود را بروز دهند و در مرحله دوم سهمی متناسب با کوشش خود (حق فاعلی) برداشت کنند؛ همان‌طور که صیانت از حقوق سپرده‌گذاران اقتضا می‌کند که فرصت برابر فقط برای افراد توانمند که بتوانند از این منابع بهره‌برداری مناسب کند، فراهم شود و برابری همه متقاضیان تسهیلات عادلانه نخواهد بود. به عبارت بهتر در این مرحله دو اصل لیاقت و توان (به عنوان اصول عدالت توزیعی) با رعایت اصل جانب‌نداری مد نظر قرار می‌گیرند و اصل تفاوت (اصلی دیگر از اصول عدالت توزیعی) نیز افراد توانمند و ناتوان را از هم جدا می‌کند؛ افزون بر آن عدالت صیانتی در جایگاه صیانت از حقوق سپرده‌گذاران با رعایت اصول یادشده، نقش خود را ایفا می‌کند. نباید عواملی مانند رابطه (سیاسی، اجتماعی، خویشاوندی و ...) جای استحقاق و شایستگی را بگیرد.

> نباید میان شرکت‌کنندگان در یک مسابقه در غیر آنچه مربوط به استعداد، هنر و لیاقت است فرق گذاشته شود؛ به‌طور مثال یکی اشراف‌زاده است و یکی فرزند یک فقیر، یکی توصیه و پارتی دارد و یکی ندارد. یکی با مقام مسئول قرابت و قوم و خویشی دارد و یکی ندارد. آنچه نباید ملاک قرار گیرد این امور است که مربوط به لیاقت و استعداد یا فعالیت و مجاهدت افراد نیست (همان، ص۹۶).

امیر مؤمنان ﷺ در بخشی از فرمان خود به *مالک اشتر* می‌فرماید:

دگر آنکه هر زمام‌داری، یاران نزدیک و محرم اسراری دارد که در میان آنان امتیازخواهی و درازدستی و بی‌انصافی در روابط اقتصادی پیدا می‌شود؛ اما تو ریشه ستم و فساد اینان را با بریدن اسباب آن برکن. مبادا به هیچ‌یک از نزدیکانت زمینی واگذاری و مبادا کسی از سوی تو به این طمع افتد که مالک آب و زمینی شود تا به همسایگان که در آبیاری یا کار مشترک است خسارت وارد آورد و بارش را بر دوش دیگران اندازد (نهج‌البلاغه، ن۵۳).

راه‌حل در تزاحم میان برابری فرصت‌ها و کارایی در اعطای تسهیلات بانکی

آیا معیار فراهم‌ساختن فرصت برابر برای استحقاق‌های برابر و معیار کارایی با یکدیگر در تزاحم نیستند؟ در این‌باره باید گفت که فرصت برابر برای استحقاق‌های برابر، مطرح است و اصول توان و لیاقت با رعایت اصل جانب‌نداری مد نظر قرار می‌گیرند؛ اما در عین حال ممکن است تعارض‌هایی در برخی فضاها مطرح باشد. فرض کنیم دو فرد «الف» و «ب» برای دریافت تسهیلات به بانکی مراجعه کرده‌اند. فرد «الف» با تجربه و سابقه‌ای مناسب است؛ اما فرد «ب» به‌تازگی فارغ‌التحصیل شده و در عوض علم و تخصص بالاتری دارد. در اینجا شاید منطقی‌تر این باشد که به علت ریسک پایین‌تر فرد «الف» انتخاب شود. حال فرض کنیم فرد «الف» تجربه و تخصص کافی و فرد «ب» فقط تخصص علمی دارد، منطق حکم می‌کند که فرد «الف» انتخاب شود. اگر در همه موارد این امر اتفاق افتد فرد «ب» تا مدت‌ها پشت خط دریافت تسهیلات خواهد ماند. نیز شرایطی را در نظر بگیریم که دو طرح بزرگ و کوچک برای دریافت تسهیلات به بانک ارائه شده است و انتظار این است که طرح بزرگ سرانجام ارزش افزوده بالاتری به ازای هر واحد به کارگیری پول (سرمایه بالقوه) پدید آورد. در این شرایط ممکن است بگوییم که منطقی است بانک طرح بزرگتر را انتخاب کند. در این حالت نیز فردی که طرح کوچک را ارائه کرده که در مقیاس خود توجیه فنی و اقتصادی مناسبی دارد پشت خط دریافت تسهیلات خواهد ماند.

درباره این تعارض‌ها چند نکته قابل ذکر است: نکته اول اینکه در بانکداری ربوی از آنجا که رابطه قرض مطرح است و نظارت درباره استفاده از تسهیلات موضوعیت نداشته و گیرنده تسهیلات، فقط متعهد است که اصل و بهره پول را به بانک بازگرداند، در تعارض میان تجربه و تخصص، به علن ریسک پایین‌تر به‌طور معمول مورد اول انتخاب می‌شود و در تقابل میان طرح بزرگ و کوچک با فرض اینکه ارزش افزوده بالاتری از طرح بزرگ

مورد انتظار است، طرح بزرگ انتخاب می‌شود؛ اما در بانکداری بدون ربا از آنجا که بانک و تسهیلات‌گیرنده شریک یکدیگر شمرده می‌شوند، نقش نظارتی بانک پررنگ‌تر و امکان پدید آمدن انحراف کمتر است؛ چه‌بسا در تقابل میان تجربه و تخصص، مورد دوم ارزش افزوده بالاتری پدید آورد. در تقابل طرح بزرگ و کوچک نیز از آنجا که سپرده‌ها در بانکداری بدون ربا به صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت است و با توجه به اینکه طرح‌های بزرگتر در مدت‌زمان طولانی‌تری به ثمر می‌رسند و طرح‌های کوچک در مدت‌زمان کمتر می‌توان سپرده‌های کوتاه‌مدت را به طرح‌های کوچک با توجیه فنی قابل قبول و سپرده‌های طولانی‌مدت‌تر را به طرح‌های بزرگ سوق داد. نکته دیگر، نقش حمایتی دولت در این‌باره است که به عنوان مثال می‌تواند از فارغ‌التحصیلان جویای تسهیلات حمایت کند تا پس از کسب تجربه، اعتماد نظام بانکی به آنان افزایش یابد.

۳. اولویت مصرف سپرده‌های قرض الحسنه در تسهیلات قرض‌الحسنه

جلوگیری از آسیب‌پذیری افراد کم‌توان ایجاب می‌کند که اصل نیاز نیز به عنوان یکی از اصول عدالت توزیعی مطرح شود. از سویی تأمل در آیات و روایات نشان می‌دهد که اساساً قرض‌الحسنه در اسلام در جهت کاهش فاصله طبقاتی و ایجاد توازن در جامعه است و اسلام برای کسب سود و افزایش درآمد راه‌های دیگری در نظر گرفته است.

قرض‌گرفتن فقط در شرایط نیاز

دین مبین اسلام قرض‌گرفتن را فقط در شرایط نیازمندی می‌پسندد:

۱. *امام کاظم*ؑ: کسی که برای کسب روزی از راه حلال کوشش کند، اما کمبود مالی بر او چیره شود و راه به جایی نبرد، پس بر عهده خداوند متعالﷻ و رسولش قرض بگیرد (حرّ عاملی، [بی‌تا]، ج۱۸، ص۳۲۱).

۲. رسول خداﷺ: شبی که مرا به آسمان بردند، دیدم که بر در بهشت نوشته است، ثواب صدقه ده برابر است و ثواب قرض‌دادن، هجده برابر. به جبرئیل گفتم: چرا قرض برتر از صدقه است؟ گفت: چون نیازمند گاه دارد و تقاضا می‌کند؛ اما خواهان قرض تقاضایی کمک نمی‌کند؛ مگر از روی نیاز (صدوق، ۱۳٤٤، ص۲۸۸).

۳. رسول خداﷺ: هر که به تنگدستی مهلت دهد خداوند متعال در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه او نیست وی را در سایه خود درآورد (کلینی، ۱٤۱۱ق، ص۹).

سفارش‌های مؤکد به قرض‌دادن

در برخی روایت‌ها با ذکر ثواب قابل ملاحظه‌ای برای قرض‌دهنده افراد جامعه تشویق به قرض‌دادن شده‌اند (حرّ عاملی، [بی‌تا]، ج۱۲، ص۸۸).

در برخی روایت‌ها ترجیح دادن قرض بر صدقه تأکید شده است (مجلسی، ۱٤۰۳ق، ج۸، ص۱۸۱) و در بیان وجه ترجیح آن آمده است: قرض فقط به دست نیازمند می‌رسد؛ اما صدقه در برخی موارد به غیر نیازمند هم داده می‌شود (عروسی‌حویزی، ۱٤۱۲ق، ج۵، ص۲۳۹). ذکر ثواب و پاداش قابل ملاحظه برای قرض‌الحسنه و ارجحیت آن بر صدقه می‌تواند به نوعی مشوق افراد جامعه در جهت قرض‌دادن باشد.

قرض‌الحسنه نهادی در جهت تحقق اصل نیاز

نهاد قرض‌الحسنه قابلیت بالایی در راه رفع نیاز نیازمندان دارد. بر این اساس، عادلانه آن است که سپرده‌های قرض‌الحسنه با اولویت تسهیلات قرض‌الحسنه، تسهیلات‌دهی شود تا گامی مناسب در جهت تحقق اصل نیاز برداشته شود. متأسفانه گاهی این‌گونه توجیه می‌شود که چون در سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه پول به ملکیت بانک در می‌آید، بانک هیچ مانعی بر سر راه خود ندارد که از این منابع در جهت سودآوری استفاده کند.

حفظ ارزش پول ملی

از جایگاه عدالت، اصل حفظ ارزش پول ملی را می‌توان از دو زاویه نگریست:

الف) حفظ ارزش پول به عنوان یک نعمت الاهی

مقام‌های سیاست‌گذار باید پول را به عنوان یک نعمت، فارغ از اینکه صاحب آن کیست، طوری سیاست‌گذاری کنند که ارزش آن حفظ شود؛ چون مالک حقیقی پول خداوند متعال ﷻ است و مالکیت انسان‌ها اعتباری است؛ بنابراین هدایت صحیحِ ملکِ خداوند متعال ﷻ و حفظ ارزش آن که به‌طور امانی در اختیار بشر قرار داده، اهمیت خاصی دارد. همان‌گونه که ریختن محصول‌های کشاورزی در دریا ظلم در حق آن محصول‌هاست،

سوزاندن پول هم ظلم در حق خود پول است که کاهش ارزش آن نیز می‌تواند همین مفهوم را داشته باشد.

ب) حفظ ارزش پول ملی در جهت صیانت از قدرت خرید افراد جامعه

از زاویه دوم، حفظ ارزش پول ملی در جایگاه عدالت صیانتی بر حفظ جان، مال و آبروی افراد جامعه تأکید می‌کند. پول در نظام بانکی باید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که ارزش پول که نشانگر قدرت خرید صاحبان آن است، حفظ شود.

امام *صادق*ؑ درباره پول می‌فرماید: «اینها مهرها و سکه‌های خداوند متعالﷻ در زمین است، آنها را برای سامان‌یابی زندگی مردم قرار داده است و به‌وسیله آنهاست که کارهای مردم روبه‌راه می‌شود، نیازهای آنان برآورده می‌شود» (حکیمی، ۱۳۸٦، ص۲٦۸). *غزالی* می‌گوید: «خداوند متعال ﷻ درهم و دینار را در جایگاه حاکم و واسطه بین اموال آفرید تا اموال به وسیله آنها ارزش‌گذاری شوند» (غزالی، ۱٤۰۲ق، ص۹۰). وی می‌افزاید:

> خداوند متعالﷻ این دو را خلق کرد تا در بازارها و در دست مردم به جریان درآید و در جایگاه حاکم و داور عادل بین اموال و کالاها قرار گیرد و حکمت دیگر آن است که از راه آنها، اشخاص به اشیای مورد نظر خود دسترسی حاصل کنند؛ زیرا این دو از فلزهای گران‌بها و کم‌یاب هستند و اعیان و ذوات آنها، مطلوب بالذات واقع نمی‌شوند و نسبت این‌دو با اجناس دیگر، نسبت واحد است و هرگاه شخصی به این‌دو دست یابد مثل این است که همه چیز را در ملک خود دارد (همان؛ به نقل از شعبانی، ۱۳٦۹، ص۲٥٦).

ابن‌خلدون می‌گوید: «خداوند متعالﷻ طلا و نقره را برای قیمت اشیا و اموال قرار داده است» (ابن‌خلدون، ۱۳٥۹، ص۷٥٥).

طبق روایت امام *صادق*ؑ و تعابیر *غزالی* و *ابن‌خلدون*، پول وسیله‌ای برای سامان زندگی و رفع نیاز مردم و نشانگر قدرت خرید مردم معرفی شده است؛ از این‌رو عدالت صیانتی اقتضا می‌کند که سیاست‌گذاری در نظام بانکی به‌گونه‌ای باشد که ارزش پول که سنجه‌ای از قدرت خرید مردم و وسیله رفع نیازها و سامان‌یابی زندگی بشر معرفی شده، حفظ شود. بر این اساس، سیاست‌هایی که به کاستن ارزش دارایی یا کار مردم بینجامد، ممنوع خواهد بود (اعراف: ۸٥ / شعراء: ۱۸۳/ مطففین: ۳-۱/ هود: ۸٥).

کاربرد این بحث آن است که هرگونه تصرف غیراصولی دولت در اقتصاد که باعث تورم و کاهش ارزش پول شود، در راه استفاده غیراصولی از پول به صورت قرارداد اجتماعی و نهاد عدالت اجتماعی تعریف می‌شود که به‌سبب ضرری که به همه بهره‌برداران از آن وارد می‌سازد، تصرفی نامشروع است. معامله‌ها نیز باید در بخش واقعی اقتصاد باشد نه اینکه نظام بانکی خود بخواهد بر نظام قیمت‌ها سایه افکند و با تشدید تورم و افزایش هزینه‌ها جریان تصمیم‌گیری اقتصادی در بخش واقعی را مختل سازد (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص٤٥).

شفافیت اطلاعات در نظام بانکی

تعریف‌های شفافیت اطلاعات را می‌توان طبق جدول ذیل در سه طبقه قرار داد:

جدول ۱: تعریف‌های متنوع شفافیت اطلاعات

گروه	حیطه تعریف	تعریف
اول	مبتنی بر ذی نفعان اطلاعات	افزایش جریان به موقع و درخور اتکای اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همه ذی‌نفعان مربوط باشد (Kaufmann & vishwanath, 1999, p3)
دوم	مبتنی بر پاسخگویی	گروه تخصصی شفافیت در دانشگاه بروکینگز: درجه گشودگی و بازبودن موسسه‌ها؛ یعنی میزان نظارت و ارزیابی اعمال افراد داخل شرکت (مانند مدیران) به‌وسیله افراد خارج از شرکت (مانند سهامداران) (Bellver & Kaufmann, 2005)
سوم	تأکید بر اجرای قوانین و مقررات	سازمان تجارت جهانی: اطلاعات درباره قوانین، مقررات و دیگر رویه‌ها که به‌طور عمومی منتشر شده باشد. گروه‌های ذی‌نفع از قوانین و مقررات مربوط و تغییرها در آنها مطلع باشند. قوانین و مقررات به صورت یک‌پارچه، بی‌طرفانه و معقول اجرا شود (به نقل از تجویدی، ۱۳۸۷، ص٣٦)

وجه اشتراک تمام این تعریف‌ها قابلیت دسترسی به اطلاعات و توانایی برقراری ارتباط و وجود جریان ارسال و دریافت اطلاعات است (تجویدی، ۱۳۸۷، ص ٣٦).

این معیار از آن جهت که در دسترس همگان بودن اطلاعات را مطرح می‌کند و از پیدایش اطلاعات انحصاری ممانعت می‌کند معیاری عادلانه تلقی می‌شود.

شفافیت اطلاعات، شرط لازم صیانت از حقوق سپرده‌گذاران

در بانکداری بدون ربا و در سپرده‌های مدت‌دار به سبب اینکه رابطه سپرده‌گذار با پول خود قطع نمی‌شود و بانک در جایگاه وکیل سپرده‌گذاران متعهد است سپرده موکلان خود را در کاراترین جهت هدایت کند و سود حاصل‌شده به چگونگی عملکرد بانک و تسهیلات‌گیرندگان بستگی دارد؛ از این‌رو حق دارند اطلاع کافی از این موضوع داشته باشند که بانک مربوطه چگونه در این‌باره عمل می‌کند؛ بنابراین بانک بر مبنای عدالت صیانتی؛ اولاً باید پاسخ‌گوی سپرده‌گذاران خود باشد؛ ثانیاً «در طراحی انواع قراردادها، ابزارهای مالی، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی و سیاست‌های نظارتی به‌گونه‌ای عمل کنند که معامله‌های بانکی بدون هیچ نوع ابهام و جهالتی نسبت به حقوق بانک و مشتریان انجام شود» (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۱، ص۱۵۸).

یکی از مشکل‌هایی که در بانکداری بدون ربا در عقدهای مشارکتی مطرح می‌باشد معضل خطر اخلاقی است. بدیهی است که در هر قراردادی هر یک از دو طرف، آن اطلاعاتی را دارند که در قرارداد بر آن تکیه می‌کنند؛ این اطلاعات به موضوع قرارداد، بهای آن، بهای دیگر کالاها و خدمات، وضعیت کنونی و مورد انتظار و به طرف دیگر قرارداد مرتبط است. دشواری دسترسی به برخی از این اطلاعات، زمینه خطر اخلاقی را فراهم می‌کند (نظری، ۱۳۸۷، ص۷۲) که به دو صورت امکان دارد: الف) تسهیلات‌گیرنده طبق منافع شخصی خود انگیزه پیدا می‌کند تا از شرایط قرارداد خارج شود؛ زیرا بانک اطلاعات لازم درباره اجرای قرارداد و انجام عملیات لازم به‌وسیله مشتری را ندارد. ب) اعلام‌نکردن سود واقعی از فعالیت مورد نظر است. بر این اساس برای مقابله با مشکل خطر اخلاقی در جهت صیانت از حقوق سپرده‌گذاران، شفافیت اطلاعات امری ضروری به نظر می‌رسد تا بانک بتواند از حقوق موکلان خود در این‌باره دفاع کرده و حق فاعلی واقعی آنان را بین آنها توزیع کند. بر این اساس، شیوه تنظیم قراردادها باید دست‌کم حائز شرایط و ویژگی‌هایی مانند ذکر دقیق بُعدها و جزئیات قرارداد، جامعیت و درج حقوق و تکلیف‌های طرفین و شرایط قرارداد، زمان‌مندی روشن، عدم ابهام، قابلیت استناد و گواهی در محاکم رسمی، ضمانت داشتن باشد (سیدنورانی و دیگران، ۱۳۹۰، ص۴۰).

نظارت در جهت حفظ حقوق عناصر نظام بانکی

نهاد عهده‌دار حق‌الناس اگر به صیانت از آن حقوق پایبند نباشد، به نوعی اضرار به صاحبان آن حقوق کرده است و این امر به معنای ظلم و بی‌عدالتی خواهد بود. در نظام بانکی این مفهوم در قالب واژه «نظارت» خود را نشان می‌دهد. صیانت از حقوق عناصر نظام بانکی، نظارت را می‌طلبد.

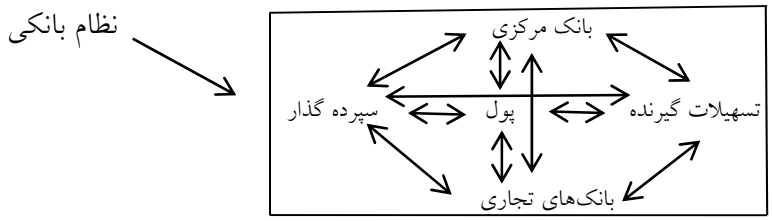
امام علی﵇ می‌فرماید: «هیچ فضیلت و توفیقی ارزشمندتر از شرف حضور در حلقه ناظران و یاوران اجرای حق و عدالت نیست» (نهج‌البلاغه، خ۲۱۶). امام ﵇ در توصیه‌های خود به *مالک اشتر* می‌فرماید:

> با فرستادن مأموران مخفی که اهل صدق و راستی و وفا باشند، کارهای آنان را زیر نظر بگیر؛ زیرا بازرسی نهایی در کارشان آنان را به رعایت امانت و ملاطفت با مردم وامی‌دارد و با دقت فراوان، مواظب اعوان و انصار و کارگزاران خود باش و بر اعمال آنان نظارت کن و چنانچه یکی از آنان دست به خیانتی زد و مأموران مخفی تو به‌طور جمعی آن را تأیید کردند باید که به آن بسنده کنی و بدون تأخیر، خیانت‌کار را کیفر دهی و به مقدار خیانتی که انجام داده است، وی را کیفر کنی، آن‌گاه وی را در مقام خواری و مذلت بنشان و داغ خیانت بر پیشانی وی بگذار و طوق رسوایی بر گردنش بیفکن (نهج‌البلاغه، ن۵۳).

در این عبارت، امام ﵇نظارت را حتی برای اعوان و انصار و نزدیکان حاکم نیز ضروری شمرده و آنان را از این امر مستثنا نکرده است (دری‌نجف‌آبادی، ۱۳۷۹، ص۲۸۰). در بانکداری بدون ربا از آنجا که بانک وکیل سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری شمرده می‌شود، متعهد است سرمایه بالقوه آنان را در کاراترین جهت هدایت کند و پول پس از تبدیل به سرمایه بالفعل به سود می‌رسد و رابطه پول با سپرده‌گذاران در این فرایند قطع نمی‌شود، برای سپرده‌گذار حقی پدید می‌آید که بانک باید در حفظ این حق کوتاهی نکند و از حق وی صیانت کند و تا نقطه آخر و تا رسیدن پول‌ها به سود و توزیع سود بین سپرده‌گذاران کوتاهی نکند و کوتاهی در این‌باره عین ظلم و بی‌عدالتی خواهد بود.

توازن عناصر نظام بانکی

نظام بانکی به عنوان یک زیرنظام از نظام اقتصادی اسلام، متشکل از عناصری است که باید با هماهنگی یکدیگر در جهت هدف نظام در تکاپو باشند.



عناصر این نظام عبارتند از: پول، سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، دولت (بانک مرکزی)، بانک‌های تجاری. بر این اساس ابتدا باید هدف نظام بانکی به درستی تبیین شود، آنگاه ویژگی‌ها، هدف‌ها و جایگاه بایسته هر یک از عناصر را تبیین کرد تا هر عنصر توازنی با دیگر عناصر نظام داشته باشد تا سرانجام هدف نظام بانکی تحقق یابد.

در این راستا باید پول را به عنوان محوری‌ترین عنصر نظام تعریف کرده و ویژگی‌ها و موضع بایسته آن را معیّن کرده و جایگاه دولت، بانک مرکزی، سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان و هدف، ویژگی‌ها و علاقه‌های آنها را تبیین کرد. بعد از آن هر عنصر باید بر جایگاه خود پایبند باشد و توازنی بین مجموعه عناصر نظام برقرار باشد تا سرانجام هدف نظام تحقق یابد. در این جهت به عنوان مثال، دولت و به تبع آن بانک مرکزی نباید از جایگاه سلطه خود سوءاستفاده کنند؛ به‌طور مثال اگر دولت با کسر بودجه روبه‌رو شود و از موضع قدرت فشار به بانک مرکزی برای چاپ پول آورد، توازن این نظام به هم خواهد خورد و هدف نظام محقّق نخواهد شد. اگر عملکرد یکی از عناصر نظام بانکی بهبود یابد، عملکرد این نظام لزوماً بهبود نخواهد یافت و ممکن است حتی نظام با از دست‌دادن توازن خود کارکرد بدتری هم داشته باشد. همه عناصر در جای خود باید بهترین باشند؛ اما این به فقطیی کافی نیست بلکه این بهترین‌بودن در جهت ارتباط عناصر با هم تعریف می‌شود. مدیریت نظام بانکی افزون بر توجه به فعالیت‌های تک‌تک اجزا باید به تعامل و ارتباط اجزای نظام نیز توجه کافی داشته باشد.

بررسی تجربی لحاظ معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا

در این بخش در حد مقاله به بررسی تجربی اندازه تحقق معیارهای استخراج‌شده در بانکداری بدون ربا در ایران می‌پردازیم.

۱. بررسی معیار اعطای تسهیلات بانکی بر مبنای کارایی اقتصادی

برای بررسی معیار اعطای تسهیلات بانکی بر مبنای کارایی اقتصادی، به عنوان نمونه از شاخص بازده دارایی‌ها (Return On Assets -ROA) به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در تعیین توانایی مدیریت بانک در استفاده بهینه از منابع واقعی سرمایه‌ای و مالی بانک در خلق سود استفاده می‌کنیم. این نسبت از تقسیم سود خالص به دارایی‌های آن محاسبه می‌شود و پایین‌بودن آن نشان می‌دهد که بانک از دارایی خود به نحو خوبی بهره نگرفته است (مجتهد و همکاران، ۱۳۸۷) و استاندارد این نسبت یک درصد است. جدول ذیل نتیجه‌های این شاخص را برای برخی بانک‌ها سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۹۱) ارائه می‌دهد:

جدول ۲: نسبت بازده دارایی‌های (ROA) بانک‌ها (۱۳۸۵- ۱۳۹۱) (درصد)

سال / بانک	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
تجارت	۰/٤٦	۱/۰٦	۰/۸۲	۰/۷۹	۰/۹۷	۱/۱۳	–
صادرات	۰/۳۰	۰/٤٦	۱/۷۹	۱/۳۷	۲/۰۱	۰/۸۵	۰/۸۳
ملت	۰/۲٤	۰/۵۱	۰/٦۹	۰/٦۸	۰/۹۸	۰/۹۰	۱/۲٤
رفاه کارگران	۰/۱۸	۰/۷۲	۲/۱۲	۰/۲۳	۰/۳۷	۰/۲٤	۰/۱٦
ملی	۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱٤	–	–	–
اقتصاد نوین	۱/۹۰	۱/٤۵	۱/۸۱	۱/۹۲	۲/۲۰	۲/۵۵	۱/۹۵
کارآفرین	۲/٦۷	۲/۸۹	۳/٤٦	٤/٤٦	٤/۵	٤/۷	٤/۱
پاسارگاد	۳/٦۲	۲/۸۵	۲/٤۷	۲/۷۵	٤/۰۲	٤/۹۱	۵/۱۱
توسعه صادرات	۳/۵۰	۱/٤۰	۳/۹۰	۱/۲۷	۰/۸۰	۱/۳٦	۰/۳٤
سامان	۰/۹۹	۱/٤۷	۱/۰۵	۱/۵۹	۲	۰/۷۸	۰/۹۷
سرمایه	۷/۷۳	۳/۹۰	۲/۳۳	۲/۱۳	۲/۱٦	۰/۲۱	۱/۷٦

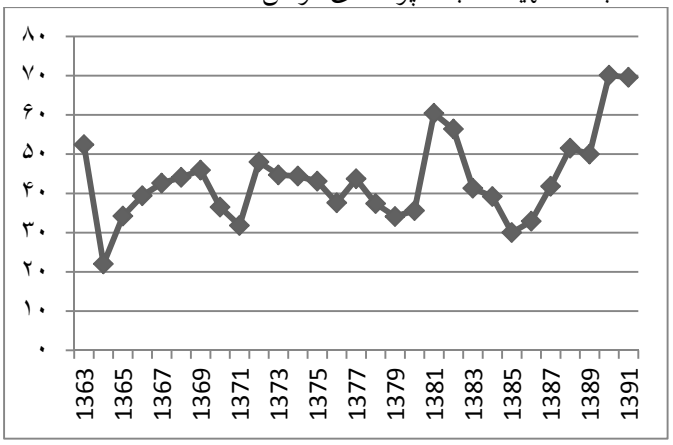
منبع: گزارش سالانه و صورت‌های مالی بانک‌ها و محاسبه‌های تحقیق.

ملاحظه می‌شود که این نسبت وضعیت مناسبی در نظام بانکی ایران ندارد. برای بانک‌های دولتی در اغلب موارد زیر میزان استاندارد است؛ البته برای بانک‌های خصوصی در اغلب موارد بالای میزان استاندارد است. این موضوع نشان‌دهنده این است که بانک‌های خصوصی سودآوری بالاتری نسبت به بانک‌های تجاری دارند و در تخصیص منابع کاراتر عمل کرده‌اند. به‌طور کلی بررسی این شاخص نشان می‌دهد که نظام بانکی ایران درباره اصل اعطای تسهیلات بانکی بر مبنای کارایی اقتصادی به عنوان یکی از معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی، چندان کامیاب عمل نکرده است که وضعیت بانک‌های دولتی در این‌باره به مراتب بدتر از بانک‌های خصوصی است.

۲. بررسی معیار اولویت مصرف سپرده‌های قرض‌الحسنه در قرض‌الحسنه

به‌طور میانگین در طول اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران، ٤٣ درصد از سپرده‌های قرض‌الحسنه به صورت قرض‌الحسنه تسهیلات‌دهی شده است:

نمودار ۱: نسبت تسهیلات به سپرده‌های قرض‌الحسنه (۱۳٦۳– ۱۳۹۱) (درصد)



منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ج.ا.ا. در سال‌های گوناگون.

این موضوع نشان می‌دهد که نظام بانکی کمتر از نصف سپرده‌های قرض‌الحسنه را در جهت قرض‌الحسنه تسهیلات داده است و بقیه را جهت کسب سود به کار برده است. نکته جالب اینکه گرچه روند سپرده‌گذاری به صورت قرض‌الحسنه در بین سال‌های ۸۱– ۸۵ نزولی بوده است؛ اما اعطای تسهیلات روندی صعودی طی کرده که این نشان از اهتمام نظام بانکی در اعطای قرض‌الحسنه در این سال‌هاست. هم‌چنین از سال ۱۳۸۸ به بعد نسبت

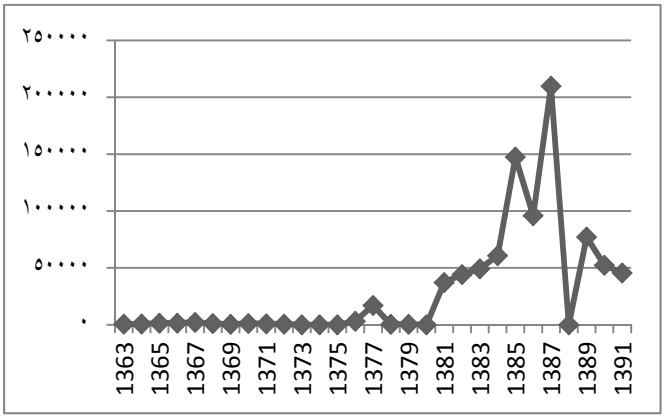
اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه بالای ۵۰ درصد بوده که از نکته‌های مثبت نظام بانکی در جهت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه است.

۳. بررسی معیار حفظ ارزش پول ملی

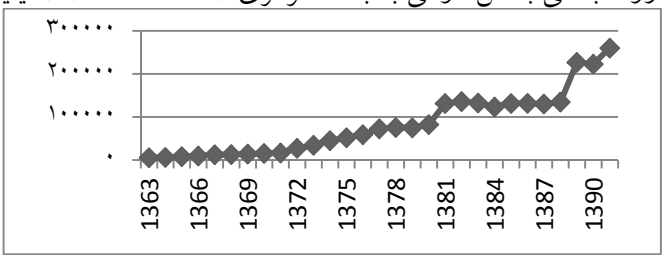
بررسی رفتار مقام‌های پولی نشان می‌دهد که در موارد متعدد، ارزش ریال ایران با عنایت به ضوابطی که به قاعده عرف به بخش پولی ارتباطی نداشته است؛ مانند تأمین منابع مالی برای بودجه تضعیف شده است. عدم تعادل‌های مالی دولت باعث کسری بودجه شده و چون تأمین کسری از راه استقراض از خارج یا مردم به لحاظ مسائل سیاسی و اجتماعی محدود است، دولت برای تأمین کسری به‌طور مستقیم سراغ بانک مرکزی می‌رود که با افزایش بدهی خود به بانک مرکزی و افزایش پایه پولی، سبب افزایش حجم پول و نقدینگی در جامعه می‌شود. اگر چه دولت از این راه منابعی را کسب می‌کند؛ اما سرانجام بار آن را بر دوش مردم تحمیل می‌کند (سامتی و همکاران، ۱۳۸٤، ص۹۷).

نمودارهای ذیل نشان می‌دهد که در دهه هشتاد با افزایش اندازه دولت و افزایش مخارج، دولت با کسری بودجه‌های بزرگی روبه‌رو شد و برای جبران آن به تحمیل شرایطی به بانک مرکزی متوسل شد و این فرایند به افزایش پایه پولی و نقدینگی بوده و از آنجا که پشتوانه تولیدی نداشت، تورم‌های دورقمی را رقم زد. در جدول ذیل ملاحظه می‌کنیم که تورم در اقتصاد ایران همواره (جز سال ٦٤ و ٦٩) دورقمی بوده است.

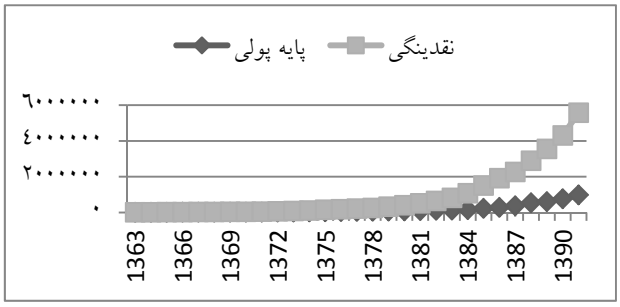
نمودار ۲: روند کسر بودجه دولت (۱۳٦۳-۱۳۹۱) (میلیارد ریال)



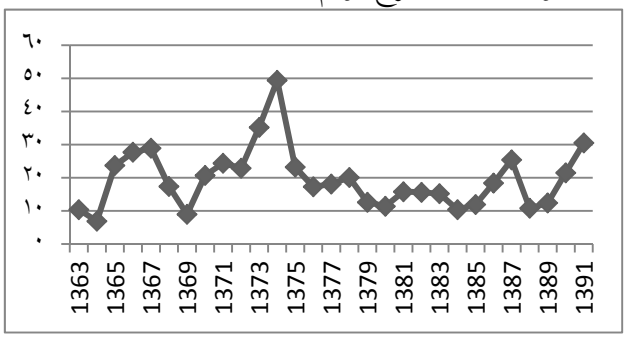
نمودار ۳: روند بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی (۱۳۶۳- ۱۳۹۱) (میلیارد ریال)



نمودار٤ : روند پایه پولی و نقدینگی (۱۳۶۳-۱۳۹۱) (میلیارد ریال)



نمودار ۵: روند نرخ تورم (۱۳۶۳-۱۳۹۱) (درصد)



منبع: بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی ج.ا.ا.، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های گوناگون.

٤. بررسی معیار شفافیت اطلاعات

شفافیت اطلاعات در بانکداری بدون ربا ایران، چندان مطلوب نیست و نارسایی‌هایی در این‌باره مشاهده می‌شود که برخی از آنها به‌طور خلاصه در جدول ذیل آمده است:

جدول ۳: برخی ضعف‌های نظام بانکی ایران از بُعد شفافیت اطلاعات

ضعف	توضیح‌های اضافی
۱. عدم شفافیت قانون بانکداری بدون ربا از برخی جهات	نمونه: عدم ارائه تعریفی دقیق و روشن از بانک، نرخ سود، پول و ...
۲. عدم تعریف روش حسابداری مدون برای بانکداری بدون ربا	چگونگی ثبت و ضبط مسائل حسابداری مالی، مشابه بانکداری ربوی است.
۳. عدم پیوستگی و انسجام میان مفاد و هدف‌های قانون بانکداری بدون ربا و گزارش‌های اقتصادی	نمونه : عدم تعریف شاخص‌هایی برای هدف‌های قانون بانکداری بدون ربا و پی‌گیری تحقق یا عدم تحقق این هدف‌ها در گزارش‌ها و اسناد
٤. وجود برخی نارسایی‌ها در بسته‌های سیاستی- نظارتی بانک مرکزی	نمونه: بسته سال ۱۳۸۷: اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی فقط در حد رفع مشکل‌های مقطعی و کوتاه‌مدت جدول نقدینگی بانک‌ها قابل اعمال خواهد بود. کنترل و تنظیم این امر از دو روش انجام می‌شود: ۱. ابزار قیمتی از راه دریافت هزینه سنگین ۳٤ درصد سالانه از این مبالغ؛ ۲. کنترل اداری بانک مرکزی و مدیریت آن اگر بانک‌ها اجازه دارند که در شرایط مقطعی از منابع بانک مرکزی استفاده کنند، چرا برای همین اجازه باید جریمه بپردازند؟
۵. ناقص‌بودن آمار و اطلاعات	آمار تمام سال‌ها به صورت شفاف در گزارش‌ها و آمارها در دسترس قرار نمی‌گیرد.

۵. بررسی معیار «نظارت»

بررسی یک شاخص مهم، ضعف نظام بانکی ایران درباره نظارت را نشان می‌دهد. از پارامترهای تعیین‌کننده کیفیت دارایی‌های بانک‌ها، میزان و رشد مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول است. مطابق جدول ذیل، نسبت مجموع مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات در بازه زمانی (۱۳۸۵-۱۳۹۱) همواره بالای ۱۰ درصد بوده است. در این‌باره ضعف نظارتی می‌تواند یکی از عوامل اثرگذار در این حجم از مطالبه‌های غیرجاری باشد و می‌توان گفت که بالابودن این نوع مطالبه‌ها از عدم اجرای صحیح قانون بانکداری بدون ربا حاکی است؛ چرا که در نظام بانکی بدون ربا با توجه به رابطه شراکت بانک با متقاضیان تسهیلات یا معامله‌های مبتنی بر بیع، تشکیل بدهی موضوعیت ندارد.

جدول٤: مانده انواع گروه‌های مطالبه‌های غیرجاری در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۱ (درصد)

عملکرد نظام بانکی کشور	مطالبه‌های غیرجاری به کل تسهیلات			
	مطالبه‌های سررسید گذشته	مطالبه‌های معوق	مطالبه‌های مشکوک‌الوصول	مجموع مطالبه‌های غیرجاری
۱۳۸۵	۲/۹	۵/۱	۲/۹	۱۰/۹
۱۳۸٦	۳/٤	۵/۷	۵	۱٤/۱
۱۳۸۷	۳/٤	٤/۹	۷/٤	۱۵/۷
۱۳۸۸	۳/۷	٤/۷	۷/۹	۱٦/۳
۱۳۸۹	۲/٦	۳/٦	٦/۷	۱۲/۹
۱۳۹۰	۳/۵	۳/۸	۷/۵	۱٤/۸
۱۳۹۱	۲/۸	۳/۸	۸/۸	۱۵/٤

منبع: گزارش عملکرد بانک‌های کشور در سال ۱۳۹۱، بانک مرکزی ج.ا.ا.

٦. بررسی معیار توازن عناصر نظام بانکی

بررسی نظام بانکی ایران نشان می‌دهد اولاً هر یک از عناصر کارایی لازم را ندارند؛ ثانیاً توازن مناسبی بین عناصر مشاهده نمی‌شود. بخش دولت توازن این نظام را بر هم زده و بر بخش‌های دیگر سلطه‌ای نامتوازن دارد. شرکت های دولتی با کسر بودجه‌ای که کم‌وبیش دارند به بانک مرکزی مراجعه کرده و خواهان تسهیلات بوده و بانک مرکزی، به این خواسته تمکین کرده و با تزریق پول بدون پشتوانه باعث کاهش ارزش پول ملی در جامعه می‌شود. نکته دیگر اینکه در نگرش نظام‌مند نظام باید هدف‌هایی برای خود تعیین کرده و در جهت آن هدف‌ها گام برداشته و همواره موقعیت خود را در تطبیق با آن هدف‌ها از لحاظ عملکرد، مورد سنجش قرار دهد که این بُعد در نظام بانکی ایران ضعیف به نظر می‌رسد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بند نخست از ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا هدف نظام بانکی را استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد و توسعه اقتصاد کشور معرفی می‌کند. در مقاله پیش رو در صدد استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا و بررسی میزان پیاده‌شدن این معیارها در بانکداری بدون ربای ایران بودیم که نتیجه‌های تحقیق به صورت خلاصه در جدول ذیل آمده است:

جدول۵: معیارهایی برای حق و عدل در بانکداری بدون ربا و بررسی میزان پیاده‌شدن آنها در نظام بانکی ایران

معیار			مبنای توجیه معیار	بررسی عملکرد
معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی	۱.کارایی اقتصادی	الف) احراز سود و ارزش افزوده	۱. عدم کُفران؛ ۲. عدالت صیانتی: (صیانت از منابع سپرده‌گذاران)	بررسی شاخص بازده دارایی‌ها حکایت از وضعیت نه چندان مناسب بانک‌ها در این‌باره دارد که وضعیت بانک‌های دولتی به مراتب بدتر است.
		ب) تخصیص به اندازه منابع		
	۲. فرصت برابر برای استحقاق‌های برابر در دسترسی به تسهیلات بانکی		فرصت برابر برای استحقاق‌های برابر در جهت شکوفایی استعدادها	
	۳. اولویت اعطای سپرده‌های قرض‌الحسنه در جهت تسهیلات قرض‌الحسنه		اصل نیاز از اصول عدالت توزیعی و جایگاه بایسته نهاد قرض‌الحسنه (حق غایی)	میانگین نسبت تسهیلات قرض-الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه در حدود ۴۳درصد بوده است، که مناسب به نظر نمی‌رسد.

معیار	مبنای توجیه معیار	بررسی عملکرد
٤. حفظ ارزش پول ملی	۱. تکلیف در برابر حق خود پول (عدم کُفران)؛ ۲. عدالت صیانتی.	به واسطه عواملی مانند استقراض دولت از بانک مرکزی برای تأمین کسر بودجه رعایت نشده است.
٥. شفافیت اطلاعات	۱. عدالت صیانتی؛ ۲. در دسترس همگان‌بودن اطلاعات و ممانعت از پیدایش اطلاعات انحصاری	بررسی‌ها حکایت از نارسایی‌های فراوانی در این‌باره دارد.
٦. نظارت	عدالت صیانتی	به عنوان نمونه مطالبه‌های معوق بالا حکایت از ضعف این بخش دارد.
۷. توازن عناصر نظام بانکی	موزونیت عناصر یک مجموعه	به‌طور کلی عناصر نظام بانکی ایران توازن مناسبی نداشته‌اند.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، محمدحسین؛ **ربا و قرض در اسلام**؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲.

۲. ابن‌خلدون، عبدالرحمن؛ **مقدمه ابن‌خلدون**؛ ترجمه محمدپروین گنابادی؛ تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.

۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ **بانک اطلاعات سری زمانی، گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه سال‌های گوناگون**.

٤. تجویدی، الناز؛ «شفافیت و کارایی بازار سرمایه»؛ **مجله حسابدار**، ش۱۹٦، ۱۳۸۷.

٥. توتونچیان، ایرج؛ **پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری**؛ تهران: انتشارات توانگران. ۱۳۷۹.

٦. جمشیدی، سعید؛ «بررسی اثرات کاهش نرخ سود و چگونگی اعمال آن در تطابق با شرایط واقعی بازار و تقسیم سود واقعی بین سپرده‌گذاران بر مبنای حق و عدل

(با ضوابط اسلامی)»؛ **مجموعه مقالات هجدهمین همایش بانکداری اسلامی**، تهران: مؤسسه عالی بانکداری اسلامی، ۱۳۸٦.
۷. جندقی‌میبدی، فرشته؛ «رابطه عقدها اسلامی در نظام بانکی با کاهش فقر»؛ **همایش اقتصاد اسلامی و توسعه**، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۷.
۸. حاجی‌حیدر، حمید؛ «بررسی جامع مفهوم عدالت از دیدگاه اسلام»؛ **دوفصلنامه معرفت سیاسی**، ش۲، ۱۳۸۸.
۹. حرّ عاملی، محمدبن‌حسن؛ **وسایل‌الشیعه**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربیه، [بی‌تا].
۱۰. حسینی، سیدصفدر و تکتم محتشمی؛ «رابطه تورم و رشد نقدینگی در اقتصاد ایران؛ گسست یا پایداری»؛ **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی**، س۸، ش۳، ۱۳۸۷.
۱۱. حکیمی، محمدرضا و دیگران؛ **الحیاه**؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸٤.
۱۲. دری‌نجف‌آبادی، قربانعلی؛ «مبارزه با فساد در حکومت علوی»؛ **مجله حکومت اسلامی**، ش۱۷، ۱۳۷۹.
۱۳. سامتی، مرتضی، مجید صامتی و غلام‌حسین جعفری؛ «عدم تعادل‌های مالی دولت و نرخ تورم در ایران»؛ **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران**، س۷، ش۲٤، ۱۳۸٤.
۱٤. سیدنورانی، محمدرضا و سیداحسان خاندوزی؛ «نظام‌نامه حقوق اقتصادی در قرآن کریم»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، س۱۱، ش٤۲، ۱۳۹۰.
۱۵. ـــــــــ؛ «مبانی نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام»؛ **دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران**، س۹، ش۱۷، ۱۳۹۱.
۱٦. شعبانی، احمد؛ **سیستم‌های پولی، تحلیلی تطبیقی-فقهی**؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق ﷺ، ۱۳٦۹.
۱۷. شیخ‌طوسی، محمدبن‌حسن؛ **مصباح المجتهد**؛ بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱٤۱۱ق.
۱۸. صدوق، محمدبن‌علی؛ ثواب الاعمال؛ قم: انتشارات شریف رضی، ۱۳٤٤.
۱۹. ـــــــــ؛ **علل الشرایع**؛ نجف: المطبعه الحیدریه، ۱٤۱۳ق.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ چ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷٤م.

۲۱. طیبی، سیدکمیل، یاسر عباسلو و لیلی بیاری؛ «عوامل تعیین‌کننده نابرابری اقتصادی در کشور های منتخب اسلامی با تأکید بر نقش اقتصاد اسلامی»؛ **همایش اقتصاد اسلامی و توسعه**، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۷.
۲۲. عروسی‌حویزی، عبدالعلی‌بن‌جمعه؛ **نورالثقلین**؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱٤۱۲ق.
۲۳. عمادزاده، مصطفی، سعید صمدی و بهار حافظی؛ «بررسی عوامل (پولی و غیرپولی) مؤثر بر تورم در ایران (۱۳۳۸-۱۳۸۲)»؛ **پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی**، س۵، ش۱۹، ۱۳۸٤.
۲٤. عیوضلو، حسین؛ «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، س۸، ش۲۹، ۱۳۸۷.
۲۵. غزالی، امام‌محمد؛ **احیاء العلوم الدین**؛ بیروت: دارالمعرفه،۱٤۰۲ ق.
۲٦. فراهانی‌فرد، سعید؛ «نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر»؛ **مجله نامه مفید**، ش۱۷، ۱۳۷۸.
۲۷. کازرونی، علی‌رضا و برات اصغری؛ «آزمون مدل کلاسیک تورم در ایران: روش همگرایی»؛ **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، ش۲۳، ۱۳۸۱.
۲۸. کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ **الفروع من الکافی**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳٦۵.
۲۹. ـــــــــ؛ **اصول الکافی**؛ تهران: دارالتعارف للمطبوعات، ۱٤۱۱ق.
۳۰. کهندل، محمد؛ «عدالت در بانکداری اسلامی»؛ **مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه اقتصادی**، مؤلفه‌ها و مبانی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸٤.
۳۱. مجتهد، احمد و لیلی محرابی؛ **خصوصی‌سازی بانک‌ها و اثر آن بر عملکرد نظام بانکی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۷.
۳۲. مجلسی، محمدباقر؛ **بحارالانوار**؛ بیروت: مؤسسه الوفا، ۱٤۰۳ق.
۳۳. مطهری، مرتضی؛ **عدل الهی**؛ چ۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۵۲.
۳٤. ـــــــــ؛ **ربا- بانک- بیمه**؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳٦٤.
۳۵. ـــــــــ؛ **نظام حقوق زن در اسلام**؛ چ۳۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
۳٦. ـــــــــ؛ **بیست گفتار**؛ چ۲۰، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.
۳۷. ـــــــــ؛ **مسئله ربا**؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.

۳۸. مکارم‌شیرازی، ناصر؛ **الربا و البنک الاسلامی**؛ قم: مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب ﷺ، ۱٤۲۲ق.
۳۹. موسویان، سیدعباس؛ «جایگاه عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی»؛ تهران: دومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰.
٤۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ **کتاب البیع**؛ ج۲، چ۱، نجف اشرف: مطبعه‌الآداب، ۱۳۹۱.
٤۱. نراقی، محمدمهدی؛ **جامع‌السعادات**؛ تصحیح محمد کلانتر؛ چ٤، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، [بی‌تا].
٤۲. نظرپور، محمدتقی، محمدرضا یوسفی و میمنت ابراهیمی؛ «بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، س۱۱، ش٤۳، ۱۳۹۰.
٤۳. نظری، حسن‌آقا؛ «نظریه مشارکت در سودوزیان، چالش‌ها و راهکارها»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، س۸، ش۲۹، ۱۳۸۷.
٤٤. نظیفی، فاطمه؛ «آیا ماهیت تورم در ایران پولی است؟»؛ **مجله پژوهشنامه اقتصادی**، پیش‌شماره۱، ۱۳۷۹.
٤٥. هاشمی، سیدمحمدتقی؛ **ارزیابی تحقق عدالت اقتصادی در الگوهای بانکداری اسلامی با تأکید بر الگوی تفکیک و الگوی بانکداری تجاری**؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، ۱۳۹۲.
٤٦. هژبرکیانی، کامبیز و ایرج رحمانی؛ «بررسی رابطه بین حجم پول، تورم‌های بالا و مالیات تورمی در اقتصاد ایران»؛ **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، ش۷، ۱۳۷۹.
47. Ahmed, Z; "Islam, Poverty and Income Distribution"; **The Islamic Foundation**; Leicester, UK. 1991.
48. Bellver, Ana, and Daniel Kaufmann; **Transparenting Transparency: Initial Empirics and Policy Applications**; World Bank Policy Research Working Paper, Washington, 2005.

49. Farook, S.; **A standards of corporate social responsibility for Islamic financial institutions: A preliminary study;** in M. Obaidullah and H. Abdul Latif (eds.), Islamic Finance for Micro and Medium Enterprises.Islamic Research & Training Institute, Islamic Development Bank and Centre for Islamic Banking, **Finance and Management**, Universiti Brunei Darussalam, 2008.
50. Khan, M. A; "Rural Development Through Islamic Banks"; **The Islamic Foundation**, Leicester, UK, 1994.
51. Kamla, Raina; Rammal, Hussain ; "Social Reporting in Islamic Banks:Dose Social Justice Matter? "; **Accounting, Auditing and Accountability Journal**, 2012.
52. Kaufmann, Daniel & Tara Vishwanath; **Towards Transparency in Finance And Governance**; The World Bank Draft, September, 1999.